

حمایت از تولید ملی و پیشگیری از قاچاق کالا

فاطمه آقایی بجزستانی^۱، محمود مرادی حقیقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۸/۱۹

چکیده

زمینه: تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه کشورمان مهمترین متغیر زندگی اجتماعی است. از طریق قاچاق، کسب ثروت به راحتی و در حجم زیاد صورت گرفته و روحیه کار و فرهنگ تلاش در جامعه سست شده و افراد به جای کسب درآمد از راه صحیح و شرعی به راه قاچاق روی آوردند تا در مدت کوتاه ثروت زیادی به دست آورند. این افراد علاوه بر اینکه سهم ناچیزی در تامین درآمد دولت دارند از هزینه های دولت بالاترین سود را می برند. یافته ها: مشارکت مردمی در امر مبارزه با قاچاق در سطح ملی، امنیت اقتصادی را به ارمغان می آورد و توانمندی اقتصادی، مجموعه ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی است که موجب دلگرمی و آسایش خاطر و شوق مردم به کار و امید به آینده می شود. نتیجه گیری: در این مقاله برآنیم تا اثرات و عواقب قاچاق را یافته و راهکارهایی برای حمایت از تولید ملی و جلوگیری از قاچاق ارائه دهیم.

واژگان کلیدی: تولید ملی، قاچاق ارز و کالا، جرائم اقتصادی، پیشگیری اجتماعی.

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، مدرس دانشگاه پیام نور دامغان، پست الکترونیک: fateme.b61@gmail.com

^۲ کارشناس فقه و مبانی حقوق، پرسنل فرماندهی انتظامی استان سمنان.

مقدمه

دولت‌ها برای کمک به توسعه و رشد اقتصادی و صنعتی کشور، غالباً سیاست‌های حمایتی اتخاذ می‌کنند این سیاست بطور عمده حمایت از صنایع داخلی به ویژه صنایع نوپا را هدف قرار می‌دهد در حالی که قاچاق کالا و ورود کالاهای مشابه خارجی که حقوق گمرکی آنها پرداخت نشده و در نتیجه قیمت پایین‌تری نیز دارند، رقابت برای صنایع را حتی در بازار داخلی دشوار می‌سازد و چه بسا به تعطیلی و رکود فعالیت‌های صنعتی بیانجامد. این رکود می‌تواند جریان آتی سرمایه‌گذاری را دچار اختلال سازد از این رو مبارزه جدی با قاچاق کالا خود نوعی حمایت از صنایع داخلی تلقی می‌گردد که قادراند در افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد پویای اقتصادی نقش به‌سزایی ایفا کنند (مقدسی، ۸۰-۱۳۷۹، ص ۱۲۰). گسترش مبادلات تجاری و تجارت الکترونیکی و وجود مرزها و سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، موجب ایجاد پدیده‌ای به نام قاچاق شده که درصد قابل توجهی از نیروی انسانی جامعه را به خود مشغول کرده و یکی از بحث‌های عمده اقتصاد زیرزمینی را تشکیل می‌دهد. در این مقاله بحث و بررسی دقیق و شناخت بیشتر این مشکل نامطلوب اجتماعی و اقتصادی برای مقابله بهتر با آن و ترویج تولیدات ملی ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد.

بیان مساله

وجود و گسترش قاچاق، عملکردهای اقتصادی کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد از این میان اولین اثر قاچاق، تاثیر منفی آن بر درآمدهای دولت است، قاچاق کالاها بخشی از درآمدهای دولت را تحت تاثیر قرار داده و با انگیزه فرار از محدودیت‌های تعرفه‌ای موجود در بخش تجاری کشور انجام می‌شود به این صورت که قاچاق کالا رشد درآمد دولت را کاهش می‌دهد. این کاهش کمیت و کیفیت عرضه کالاها و خدمات عمومی را در جامعه پایین می‌آورد. این واقعیت می‌تواند کارکرد سیاست‌های تولیدی و توزیعی دولت را در عمل با مشکلات

جدی مواجه سازد در حالی که با اطلاع از روند یا حجم قاچاق می توان در سایه اتخاذ راهکارهای مناسب، فعالیت های اقتصادی غیر رسمی را به سمت فعالیت های اقتصادی رسمی ثبت شده در حساب های ملی هدایت کرد، این مهم اطلاع از اندازه قاچاق کالا در ایران و شناسایی چیرستی و چرایی این پدیده را اجتناب ناپذیر می سازد (مداح، ۱۳۸۴: ۶) بنابر این بایستی تاثیر حمایت از تولید ملی در کاهش قاچاق را بررسی کنیم و چگونگی حمایت از تولیدات ملی را مد نظر قرار دهیم تا از این طریق کاهش این پدیده شوم موثر واقع شود.

تعریف قاچاق

در تعریف قاچاق می توان بیان کرد که هر گونه استفاده از مال موضوع درآمد دولت، بدون پرداخت درآمد مقرر یا ورود و صدور مال ممنوع و یا تحصیل اموال انحصاری از غیر کانال دولتی و انجام هر گونه اقدامی که قانونا در حکم قاچاق محسوب شده است (آقازاده، ۱۳۸۴: ۱۴). کنوانسیون بین المللی، قاچاق را بدین صورت تعریف کرده است: اصطلاح قاچاق عبارت از تقلبات گمرکی است که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی می باشد که موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات ها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده یا اجرای ممنوعیت ها و محدودیت های موضوع قانون امور گمرکی نادیده گرفته و یا منافی مغایر با قانون گمرکی به دست آورد (جهانگیر، ۱۳۸۰، صص ۱۳۱۰-۱۳۰۹). قاچاق ارز یکی از اقسام جرائم ارزی است که با عنایت به اهمیت خاص آن و در جهت حمایت از ارزش ریالی و جلوگیری از تغییرات بی رویه نرخ ارز و همچنین جلوگیری از تاثیر نوسانات نرخ ارز بر قیمت کالا مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است و در طول زمان مقرراتی را برای مبارزه با مرتکبین آن تدوین و به مرحله اجرا گذاشته است. خرید و فروش ارز، واگذاری و انجام هر گونه معامله دیگری مربوط به آن، منحصر به دولت می باشد و انجام اعمال مذکور بدون اجازه دولت و رعایت مقررات مربوط به آن که از طرف بانک مرکزی اعلام می شود ممنوع می باشد. قاچاق کالا مربوط به کالایی است. بدون مجوز وارد شده، در سراسر کشور جرم بوده و

مشمول مقررات مربوط به قاچاق کالا می گردد. بنابراین نگهداری و توزیع و حمل کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می شود. قاچاق کالا صرفاً شامل عدم پرداخت حقوق گمرکی نمی شود حتی عدم پرداخت مالیات کالای داخلی در تبصره ماده ۱۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۶ قاچاق تلقی می گردد.

تاریخچه مبارزه با قاچاق

برابر اسناد و مدارک موجود، تا سال ۱۳۳۶ ماموریت مبارزه با قاچاق در سراسر کشور بر عهده مامورین گارد مسلح گمرک بوده ولی همزمان با محول کردن ماموریت مرزبانی به ژاندارمری سابق که تا آن زمان، اداره امور مرزها را بر عهده داشت، ماموریت مبارزه با قاچاق نیز با تصویب مجلس وقت به ژاندارمری کل کشور واگذار گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این مهم توسط کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارمری و شهربانی سابق انجام می شد تا اینکه در شهریور ماه سال ۱۳۶۶، برابر با مصوبه شورای امنیت کشور به استناد بند ۱۱ ماده ۲ اساسنامه خدمتی پاسداران کمیته انقلاب اسلامی سابق، ماموریت مبارزه با قاچاق به این نهاد محول شد و سایر نیروهای انتظامی وقت (شاجا و ژاجا) فقط در جرایم مشهود قاچاق به عنوان ضابطین دادگستری دخالت نمودند، البته در محل هایی که هنوز کمیته انقلاب اسلامی مستقر نشده بود مامورین انتظامی با شرح وظایف قانونی خود در امر مبارزه با قاچاق دخالت مستقیم و مستمر داشتند. سرانجام با تصویب لایحه قانونی ادغام سه نیروی سابق تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۹ توسط مجلس شورای اسلامی و انجام برنامه عملی ادغام نیروهای سه گانه انتظامی (کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارمری، شهربانی) از تاریخ ۱۲ فروردین سال ۱۳۷۰ یکی از وظایف مهم نیروهای انتظامی مبارزه با قاچاق به صورت اعم (کالا و مواد مخدر) در سراسر کشور تعیین گردید (خزایی، ۱۳۷۳).

پیامدها و آثار قاچاق کالا

قاچاق در کشور ما به یک مساله ملی تبدیل شده و با رشد فزاینده قاچاق، اقتدار دولت که همان سیاست ملی می باشد هم از طرف قاچاقچیان و هم از طرف مردم به زیر سوال می رود. گروه اول یعنی قاچاقچیان از این جهت که دولت را یارای مقابله با خود نمی بینند و گروه دوم یعنی مردم که عجز دولت را در قلع و قمع قاچاق یا حتی کاهش میزان آن به وضوح مشاهده می کنند (شهادی و خواجه عسگری، ۱۳۸۳، صص ۱۱۱-۱۱۰). قاچاق آثاری بر جامعه می- گذارد که عبارتند از:

۱- گسترش فقر در جامعه: با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه گسترش پیدا می کند زیرا قاچاق کالا موجب انحراف سرمایه گذاری برای اشتغال زایی می شود و کاهش تولیدات ملی، منجر به کاهش درآمد سالانه می گردد و بدین ترتیب با خروج منابع سرمایه گذاری از حیطه فعالیت های مولد و ورود آن به قاچاق کالا، فقر در جامعه بیش از پیش گسترش پیدا می کند هر چند که درآمدهای بادآورده ای را نصیب قاچاقچیان کالا می کند. فقر از شاخص های مهم بحران اقتصادی است که با گذشت زمان برای نظم اقتصادی و اجتماعی یک کشور خطر آفرین می باشند (نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، ص ۳۲۵).

۲- کاهش درآمدهای ارزی: صادر کنندگان مکلفند در موقع صدور کالا به بانک ملی تعهد ارزی سپرده و ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و به بانک های مجاز بفروشند. قاچاق یک کالا، در واقع هدر دادن ارزی است که باید از طریق تعهد ارزی به کشور منتقل شود در نتیجه صدور غیر قانونی کالا منجر به خروج سرمایه از کشور و عدم بازگشت ارز حاصله به نظام بانکی می شود و در نهایت کمبود درآمدهای ارزی، توازن پرداخت های خارجی را بر هم می- زند، لذا تاثیر مستقیم بر درآمدهای دولت دارد.

۳- ضرر تولیدکنندگان داخلی: قاچاق کالا و ورود کالاهای مشابه خارجی که حقوق گمرکی آنها پرداخت نشده و در نتیجه قیمت پایین تری دارند رقابت برای صنایع در بازار داخلی را دشوار می سازد و تولید کنندگان داخلی زیان می کنند.

۴- ایجاد اختلال در برنامه ریزی های اقتصادی: کالاهایی که بدون گذراندن تشریفات گمرکی و رعایت ضوابط و مقررات حاکم بر روابط مالی مجاز، به بازارهای داخلی راه می یابد در برنامه ریزی هایی که به بهینه کردن نظام تولید و توزیع می اندیشد اختلال ایجاد می کند.

۵- تهاجم فرهنگی: قاچاق کالا دارای آثاری ضد فرهنگی برای به ابتذال کشاندن و آسیب رساندن به هنجارهای اجتماعی و الگوهای سنتی می باشد یکی از انواع قاچاق، وارد کردن ابزار تهاجمات فرهنگی از قبیل کتب، جراید، بروشورهای منحرف کننده تصاویر، دیسکت های کامپیوتری، اسپری، قرص های محرک، آلات و ادوات قمار... می باشند. که جوانان جامعه در معرض تهدید های جدی فرهنگی- اخلاقی قرار می گیرند.

۶- تغییر الگوی مصرف در جامعه: در عصر حاضر شاهد تبلیغات فراوان ماهواره ها برای استفاده از کالاهای جدید هستیم که به علت فقدان راه های قانونی یا فزونی مالیات برای واردات این کالاها به آسانی قاچاق می شوند و در نتیجه به دلیل اشتیاق جامعه ایرانی، فرهنگ مصرف به سرعت تغییر پیدا می کند و باعث افزایش قاچاق به دلیل تقاضای بسشتر جامعه می گردد.

اهرم هایی برای رشد تولیدات ملی

امروزه اقتصاددانان بر این باور اتفاق نظر دارند که وجود تصمیم سازانی چون نهادهای کارآمد پولی و مالی و یک سیستم قضایی کارآمد که «قواعد بازی» معاملات اقتصادی مردم را رقم می زنند و رفتار روزمره کسب و کار آنها را شکل می دهند برای داشتن رشد تولید ملی بالا و پایدار حیاتی اند. وجود نهادهای قوی در جهت حمایت از حقوق مالکیت ها و ساز و کار اجرای قراردادهای بهترین کمک یار بسط و توسعه سرمایه گذاری ها و کارآیی و حمایت عقلانی از دو عامل کلیدی کار و سرمایه در جامعه هستند ولی بیشتر کشورهای در حال توسعه از داشتن نعمت نهادهای لازم و کارآمد محروم اند و تغییر و تحول در نهادهای جامعه فرایندی سخت، مشکل و کند است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه با وجود ضعف های نهادی توانسته اند به رشد اقتصادی بالا و پایدار خوبی دست یابند. کشورهای صاحب رشد شتابان ملی

اجازه نداده اند ضعف نهادی کشورشان مانع تحقق اهداف کلان اقتصادی همچون اشتغال بالا و تورم پایین شود. دومین عامل، تحول در ترکیب صادرات آنها بوده یعنی صادرات مصنوعات کارخانه‌ای در آن کشورها موتور رشد صادرات آنها بوده است. کشورهای بارز این حوزه، کره جنوبی و مالزی هستند و عامل کلیدی دیگر در این راستا "نرخ ارز" است. نامیزانی نرخ ارز و بیش ارزش داشتن آن، رشد کمتری برای کشورهای تحت بررسی رقم زده بود. جلوگیری از ارزش اضافی داشتن پول ملی نقش مهمی در رقابت پذیری محصولات کارخانه ای آنها داشته است. کشور های صاحب رشد شتابان تولید ملی از دولت کوچک تر و سیاست های مالی محتاطانه و دور اندیش تر بهره مند بودند و در نهایت نسبت به سایر کشورهای مورد بررسی، نرخ تورم کمتری را تجربه کرده اند. عامل مهم دیگری که به رشد صادرات آن کشورها کمک شایان کرده «آزادی سازی تجاری» است. همچنین این کشورهای صاحب رشد شتابان در این آزاد سازی ها سیاست «مدیریت واردات» را نیز اعمال کرده اند. کشورهای موفق در این زمینه اندونزی، کره، مالزی، سنگاپور و تایوان هستند. حتی کشورهایی که رژیم وارداتی آزاد را برگزیده بودند مثل چین و ویتنام با توسعه صادرات، ارز لازم برای واردات را تامین کرده بودند. یکی از عوامل پیروزی این کشورها این است که دسترسی برابر همگان را به فرصت های اقتصادی جامعه هدف گذاری کنند. مثلاً آنها سیاست حمایت از عامل کار را به صورت بسط و بهبود آموزش نیروی کار چه در سطح رسمی و چه در سطح ارتقای مهارت های ضمن خدمت موجب درآمد سازی برای نیروی انسانی عامل تولید اعمال کردند. در حوزه حمایت از سرمایه های داخلی این کشورها "ریسک سرمایه گذاری" را به صورت کارآمد مدیریت کردند. بنابر این فقدان یا ضعف نهادها نباید ملت ها را از رشد شتابان و پایدار تولیدات ملی محروم کند.

پیشگیری اجتماعی و فرهنگی از قاچاق کالا و ارز

انریکوفری (۱۸۸۱) به جبر محیطی معتقد است و درست برخلاف نظرات سزار لمبزو که جبر زیستی را مهم ترین عامل ناهنجاری‌ها می‌داند و می‌گوید انسان بطور فطری نابهنجار و

بزهکار متولد نمی شود بلکه محیط خانواده، محیط آموزش جامعه و محیط پرورشی است که موجبات نابهنجاری و بزهکاری را فراهم می آورد (فدایی شهری، پیشین، ص ۳۷). دورکیم و لاکاسانی به تاثیر تمدن و فرهنگ و شرایط محیط اجتماعی در ارتکاب جرائم و ناهنجاری های اجتماعی اشاره کرده اند و معتقدند: محیط اجتماعی غذای پرورشی ناهنجاری ها و بزهکاری هاست. بزهکار مانند میکروبی است و زمانی می تواند در جامعه رشد کند که محیط اجتماعی زمینه های ارتکاب جرم (موقعیت مجرمانه) را مانند غذای او فراهم کند (فرجاد، ۱۳۶۹: ۱۳). پیشگیری اجتماعی در جوامع امروز چند نهادی است و به دنبال این است تا با مشارکت دادن نهاد های مختلف و اجرای طرح های عمومی در قالب اقداماتی چون مبارزه با علل ریشه ای جرم، اعم از حمایت از خانواده، آموزش و پرورش، ایجاد اشتغال و... از ارتکاب جرم پیشگیری نماید (قورچی بیگی، ۱۳۸۷: ۲۴). تا زمانی که بستر اقتصادی و فرهنگی در جامعه فراهم نگردد، نمی توان به اتخاذ تدابیر و تاثیر آن خوش بین بود. وضعیت بد اقتصادی یا وضعیت مناسب اقتصادی، تاثیر بسزایی در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و عملی شدن آنها دارد بطور مثال در شهر های مرزی، مرزنشینان به علت ناداری و فقر و نبود شغل مناسب به قاچاق کالا روی می آورند و این خود موجب خنثی سازی تدابیر پیشگیرانه می شود. نقش رسانه ها را در پیشگیری اجتماعی نباید از نظر دور داشت. زیرا تاثیر بسزایی در فرهنگ سازی و تکوین شخصیت افراد به خصوص در جوانان و نوجوانان دارد. از دیگر مواردی که می توان نام برد نقش مردم در پیشگیری اجتماعی است بدین معنی که حکومت باید مردم سالار باشد تا بتواند در پیشگیری اجتماعی فعالیت نماید در این زمینه منتسکیو می گوید: ملتی که در بردگی است بیشتر برای حفظ آنچه دارد زحمت می کشد تا برای تحصیل چیزهای جدید و ملتی که آزاد است بیشتر برای تحصیل چیزهای جدید کار می کند تا به منظور حفظ آنچه دارد (نویمان، ۱۳۷۳: ۲۷۲). بستر سازی فرهنگی که جز اقدام های پیشگیرانه محسوب می شود، نقش مهمی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز دارد زیرا از این طریق می توان مصرف، خرید و حتی فعل قاچاق کالا را در سطح کشور کاهش داد این بستر سازی فرهنگی باید به وسیله تبلیغات متناسب، هوشمندانه و

همه جانبه در راستای مردمی کردن مبارزه، تقویت فرهنگ ملی خرید و مصرف تولیدات کیفی و تغییر از نگرش منفی به نگرش مثبت برای مصرف کالاهای کیفی و رقابت پذیر داخلی صورت می گیرد. همچنین رسانه ها امروزه محکم ترین رشته ارتباطی است که عموم اعضای جامعه را به هم متصل می کند و قابلیت این را دارد که برانگیزنده الزامات در زمینه پیشگیری از جرم باشد. جهان بینی انسان ها به شدت تابع عملکرد رسانه ها می باشد. رسانه های گروهی در ایجاد یک جریان غالب از این ارزش ها و دیدگاه های مشترک نقش بسزایی دارند. می توان حدس زد همانطوری که تماشای برنامه های تلویزیونی افزایش می یابد تفاوت های فرهنگی کاسته می گردند. پس نقشی را که در گذشته نهاد ها و شبکه های اجتماعی بیشتر بر عهده داشتند امروز رسانه های گروهی ایفا می کنند و بدیهی است که اگر در پیشگیری اجتماعی فرض بر بکارگیری همه پتانسیل اجتماع در جهت پیشگیری است رساندها می بایست مرکز توجه باشند. سازمان صدا و سیما به عنوان یک دانشگاه عمومی نشر فرهنگ اسلامی، هدف ایجاد محیط مساعد برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضائل اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان را پیگیری می کند. این هدف ها در چارچوب برنامه های ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی تامین می گردد. تاثیر برنامه های صدا و سیما از جهات مثبت و منفی بر رفتار مخاطبان به ویژه قشر نوجوان و جوان بر کسی پوشیده نیست. امروزه رسانه های مختلف و پیشرفته جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده اند که اخبار و اطلاعات به سرعت در سراسر آن نشر می یابد. صدا و سیما از طریق آموزش های مثبت و سازنده، تبلیغ الگوهای مناسب رفتاری و انتشار افکار صحیح و سالم می تواند جامعه پذیری افراد و هنجارمندی رفتارهای آنها را تسهیل نماید. رسانه های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون تاثیر شگرفی بر شیوه تفکر و زندگی مردم و سلامت عمومی ایفا می کنند و از طریق آموزش، به عنوان یک ابزار اجتماعی شدن محسوب می شوند. این رسانه ها بهترین وسایل برای انتقال اطلاعات هستند و نقش موثری در داد و ستد عقاید و اطلاعات دارند بنابراین برای پیشگیری از جرم باید به نحو مناسبی استفاده شوند.

امروزه با گسترش ارتباطات و پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی، بازاریابی برای کشورهای صاحب تکنولوژی و صنعت و تولید بسیار سهل و آسان شده است به گونه ای که با ترفند های تبلیغاتی آنچه را می خواهند به مردم القا می نمایند. متأسفانه کشورهای جهان سوم بدون دستیابی به سطحی قابل قبول از توسعه یافتگی، یعنی تولید انبوه و کیفیت خوب کالاها، متأثر از فرهنگ استعمار با حجم وسیعی از تبلیغات، افراد جامعه را به سمت مصرفی شدن سوق می دهند و این امر ضمن آثار زیان بار بر مصرف کننده، سبب تضعیف اقتصاد این کشورها شده و تاثیرات مخربی بر فرهنگ و ایدئولوژی آنان نیز خواهد گذاشت. در حال حاضر یکی از ریشه های بحران اقتصادی در کشورهای جهان سوم عدم برنامه ریزی صحیح و مستقل و توجه نکردن به نیازهای اجتماعی در امر تبلیغات است. تبلیغات اگر از مسیر آموزش عبور کند، دیگر عمل ابلاغ را انجام نمی دهد، بلکه با ایجاد تغییرات نامناسب، افکار عمومی را منحرف نموده و تصور و ذهنیت مردم را در مورد واقعیات اجتماعی دست خوش دگرگونی می کند (باقرزاده، احد، ص ۲۴۰). آنچه مشخص است، در فرایند مبارزه با قاچاق کالا و ارز تنها نباید به اقدام های اطلاعاتی و انتظامی بسنده کنیم و بیش از هر چیز باید دستگاه های اطلاع رسانی و تبلیغی با روشنگری خود زمینه آثار و تبعات مخرب قاچاق و زمینه های جرم زایی این تخلف را از بین ببرند. در امر فرهنگی و تبلیغی که این دو بخش را از لحاظ کارکرد باید جدا از هم در نظر بگیریم، کارهای تبلیغی زود بازده تر و سطحی تر هستند و کارهای فرهنگی عمیق تر و دیر بازده تر می باشند. ولی این دو در کنار یکدیگر می تواند در پیشگیری از قاچاق ما را به نتیجه برساند. به عنوان نمونه، برای مردم مرز نشین که از سر ناچاری در گیر قاچاق می باشند با یک کار فرهنگی مثل ایجاد یک کوره آجر پزی آنها را مشغول به کار می کنیم و سپس درباره آنها تبلیغات انجام دهیم. از جمله مواردی که جایگاه مهمی در تبلیغات دارد، نقش رسانه ها می باشد.

مناطق مرزی و پیشگیری از قاچاق کالا و ارز

به نظر منتسکیو پیدایش و گسترش هر پویش اجتماعی به شکل انفاقی نیست، بلکه علت-های خاص و ویژه ای این روند ها را رقم می زنند که ناشی از روابط ضروری بین پدیده ها و طبیعت موجودات است. او معتقد است دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم پایه قانون ها و علت های طبیعی است. یعنی بیشتر به بیان تاثیر محیط طبیعی تاکید داشت (استونزل، ۱۳۵۷: ۳). از این رو مهمترین عامل برای پیشگیری از قاچاق کالا و ارز، مرزها و وضعیت معیشتی مرز نشین ها می باشد. غالبا امکانات محیطی و نیازهای جامعه که فرد در آن زندگی می کند از جمله شرایط اقتصادی، فرهنگ و نیازهای شغلی جامعه تاثیر بسیار زیادی در نوع و انتخاب شرایط زندگی افراد دارد زیرا مردم به محیط اطراف خود پاسخ می دهند. سکنه مناطق مرزی به دلیل شرایط نامساعد اقلیمی، محرومیت و فقر گسترده برای تامین معیشت خود و خانواده به سوی قاچاق کالا، هر چند خرد روی می آورند و زمینه های بروز ناامنی و فعالیت دانه درشت ها را در این مناطق بوجود می آورند. حال که به سبب بروز عوارض ناشی از عدم امنیت در مناطق مرزی و تردهای غیر مجاز، دولت ناچار گردیده برای مقابله با پدیده قاچاق کالا و ایجاد امنیت مناطق مرزی، سیاست انسداد مرزها را اجرا نماید اگر در کنار این اقدامات به مقولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مناطق مرزی پرداخته نشود تاثیر انسداد فیزیکی و برخورد های نظامی، بلند مدت و پایدار نخواهد بود و همواره زمینه تهدیدات بالقوه در این مناطق وجود خواهد داشت. دارا بودن ۸۰۰۰ کیلومتر مرز زمینی و آبی، کشور جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت خاص جغرافیایی قرار داده است. وجود تقریبا ۶۰۰۰ کیلومتر مرز زمینی که با تمام ویژگی های خاص آن (پستی و بلندی، کوهستانی، کویری، جلگه ای، نی زار...) کنترل آن را برای مرزبانی نیروی انتظامی مشکل نموده است و همین امر سبب شده است تا قاچاقچیان به راحتی اقدام به واردات و صادرات کالا نمایند. همچنین عدم وجود صنایع مولد و اشتغال زا و جمعیت زیاد در این مناطق سبب گسترش فقر گردیده است. با توجه به اختلاف فاحش قیمت برخی کالاها در بازارهای دو کشور همجوار و وجود بازارچه های مرزی استان که با هدف

مبادله کالاهای مورد نیاز و محدود مرزنشینان تشکیل شده است ولی در واقع به محلی امن، جهت عرضه و تقاضای کالای قاچاق تبدیل گشته است، انگیزه افراد را برای ارتکاب به جرم قاچاق افزایش می دهد. نیازهای معیشتی مرزنشینان و کمبود امکانات رفاهی از دیگر عوامل و انگیزه های افراد مرزنشین به فعل قاچاق می باشد. سال ها مرز نشینان غیور، افتخار کشور به عنوان مدافعان امنیت در زمان جنگ بودند. حال این مردم مرزنشین تبدیل به عمده های قاچاق شده اند و کالای قاچاق وارد می کنند. اگر ماموران جلوی آنها را بگیرند، جلوی درآمدشان را گرفته اند، اگر با تیر به آنها شلیک کنند مامور انتظامی را مجروح می کنند، ماشین های آنها را آتش میزنند و فرار می کنند. یعنی امروزه مرزنشین های مردمی ما علیه مرزداران سازماندهی شده اند. تعادل اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزنشین به هم خورده است. این شرایط به دلیل فقدان شغل و بالا بودن درآمد مرزنشین ها از قاچاق کالا و فقدان شرایط اجتماعی و رفاهی مناسب برای افراد بوجود آمده است و سبب شده تا مردم مرزنشین ما در تقابل با مقررات قرار گیرند. برای بهبود وضعیت مرزها و پیشگیری از قاچاق کالا توسط افراد مرزنشین باید مقامات مسئول اقداماتی را انجام دهند تا جامعه را از گسترش این فعالیت پنهان مصون بدارند. اهم این اقدامات به شرح زیر است:

۱- توسعه متوازن و اشتغال مولد در مناطق مرزی و آسیب پذیر از قاچاق: به علت کمبود واحدهای صنعتی و تولیدی در مناطق مرزی و کم بازده بودن زمین های کشاورزی همواره با رشد نرخ بیکاری در این مناطق مواجه بوده و به همین دلیل درآمد سرانه افراد مرزنشین پایین و فقر و محرومیت نسبی در بین آنان حاکم است. این روند موجب شده تا بخشی از مرزنشینان غیور ما با تردهای غیر قانونی در مرز، از طریق حمل و نقل کالای قاچاق امرار معاش کنند حتی برخی از آنها در دام قاچاقچیان می افتند و با اخذ مبلغی ناچیز اهداف غیر قانونی آنها را برآورده می سازند. زشتی عمل قاچاق کالا در این نواحی از بین رفته است و سهل الوصول و بالا بودن درآمدهای حاصل از قاچاق کالا باعث شده تا حتی برخی از دامپروران و کشاورزان نیز شغل خود را رها و به سمت فعالیت های غیر قانونی گرایش پیدا کنند. آنچه مشخص است

توسعه نامتوازن و عقب ماندگی های برخی مناطق محروم مرزی، عدم توجه به امکانات، ظرفیت ها و استعدادهای بالقوه مرزی در اجرای پروژه های اشتغال زایی، عدم تعیین حدود واقعی مرز در برخی مناطق و انحراف هزینه کرد بنگاه های زود بازده در این مناطق نیز باعث گسترش فعالیت های غیر رسمی در برخی مناطق مرزی شده است. بر این اساس باید با شناسایی دقیق پتانسیل ها و استعدادهای بالقوه مناطق، هدفگذاری صحیحی برای اشتغال زایی کرد که از جمله این اقدامات می توان به شناخت پتانسیل های کشاورزی، آب و خاک، صنعت مناطق مرزی پرداخت و زمینه استفاده و بهره برداری از این قابلیت ها را فراهم کرد و با احداث کارخانه های مرغ و تخم مرغ و ایجاد جذابیت های توریستی در مناطق مرزی و هر نوع اقدامی که بتواند باعث جذب مردم محل به فعالیت های سالم اقتصادی گردد اشاره نمود تا ضمن کاهش نرخ بیکاری در این مناطق از حجم قاچاق نیز کاسته شود.

۲- سامان دهی مبادلات ارزی: انطباق اقتصادی با سازمان دهی مبادلات در مرز بوجود می آید که محور آن هم قانون مبادلات ارزی مربوط به سال ۱۳۸۵ است که قانونی خوب، جامع و با آیین نامه ای خیلی خوب است و از موارد دیگری که می تواند موجب انطباق اقتصادی شود و مبادلات ارزی را سامان دهی کند دیپوها، انبارها و تجمیعی ها می باشد. مکانیسم های قانونی ایجاد شده مثل بازارچه های مرزی، تعاونی های مرز نشین، دالان های عبوری و فعالیت آنان مورد ارزیابی قرار گرفته و با سامان دهی مجدد آنها به گونه ای هدایت شود که وضعیت معیشتی مردم ساکن در این مناطق از رشد و توسعه قابل توجه و کارآمدی برخوردار شود.

۳- آموزش سکنه مناطق مرزی: سواد و آموزش های عمومی و فنی و حرفه ای و تخصصی در این مناطق از اولویت برخوردار است. با آموزش افراد و استفاده از جوانان مستعد این مناطق در سازمان دولتی، نیروهای انتظامی، سیستم اداری، اطلاعاتی و امنیتی منطقه زمینه بسیار موثری برای گسترش حاکمیت دولت در این مناطق فراهم می آید. همچنین با آموزش افراد در خصوص مسائل فرهنگی، اجتماعی و شناخت باورها و اعتقادات مناطق مرزی زمینه های پیوند این مناطق با فرهنگ ملی و ارتقاء سطح آگاهی های اجتماعی و فرهنگی ساکنان این مناطق

فراهم می شود. آموزش، یکی از اصلی ترین نیازهای نیروی انسانی است و تحقق اهداف و انجام وظایف نیازمند افراد متخصص و کارآمد می باشد که این امر جز از طریق ارائه آموزش های روزآمد و مستمر امکان پذیر نیست. مساله آموزش بعد از تربیت نقش مهمی دارد. اهمیت آموزش در شکل دادن به اذهان افراد و تجهیز فکری ایشان جهت برخورد درست و اصولی با مسائل از طریق تجزیه و تحلیل علت های آن بر کسی پوشیده نیست. آموختن از اجزای جدایی ناپذیر وجود انسان است. به گونه ای که آموزه های مختلف گاه ناخودآگاه و بعضا خودآگاه بر ذهن او نقش می بندد. مهمترین نهادی که وظیفه قانونمند ساختن این آموزه ها و ارائه صحیح آنها را بر عهده دارد وزارت آموزش و پرورش می باشد. نهادی که به واسطه گستردگی و جوانی افراد تحت قلمروش از یک سو و لزوم گزینش افراد شایسته جهت انتقال معانی و مفاهیم از سوی دیگر حساسیت خاصی را دارا می باشد. اگر بپذیریم که نهادهای اجتماعی سه گانه یعنی آموزش و پرورش، خانواده و سازمان های اجتماعی به عنوان ارکان اساسی تغییرات فرهنگی و اجتماعی پذیرفته می شوند، نهاد آموزش و پرورش به دلیل اهمیت زیرساختی و بنیادی آن از یکسو و فراگیر بودن آن در تمام نقاط شهری و روستایی و عشایری از سوی دیگر، تاثیرگذارترین رکن اجتماعی است. جامعه توسعه یافته بدون اتکا به این نهاد هرگز شکل نخواهد گرفت. زیرا از مهم ترین مراحل رشد و شخصیت پذیری انسان در دوران کودکی و در سایه سازمان آموزش و پرورش صورت می گیرد.

راهکارهای حمایت از تولید ملی:

- ۱- خرید همه اقشار از تولیدات ملی: حمایت از تولید ملی با استفاده از این تولیدات محقق می شود. اگر اداره ای از تولید ملی استفاده کند اما اداره دیگر شان خود را بالاتر ببیند و از تولیدات خارجی استفاده کند به هدف نمی رسیم.
- ۲- ممنوعیت خرید از کالاهای غیر اساسی خارجی بدون معادل داخلی: بسیاری از کالاهای غیر اساسی یا نیمه اساسی خارجی که در داخل معادلی ندارند، به راحتی قابل ساخته شدن هستند

اما به علت نداشتن بازار اولیه در داخل صرفه ساخت ندارند. اگر خرید این کالاها که باید جایگزین شوند از خارج ممنوع گردد و به جای آن با تشریح هر دستگاه و اداره و سازمان، تولید کنندگانی که قابلیت تولید را دارند، دعوت به مشارکت شوند، بخش عمده ای از نیاز به آنها مرتفع خواهد شد.

۳- عدم تبلیغات کالاهای خارجی در صدا و سیما: برای حمایت از تولید ملی باید تبلیغ کالاهای خارجی از صدا و سیما حذف شود زیرا صدا و سیما یکی از رسانه هایی است که تاثیر به سزایی در رفتار مصرف کنندگان کالاها دارد. با حذف هر ثانیه تبلیغ خارجی، ده ثانیه تبلیغ مثبت به نفع کالاهای داخلی ایجاد می شود. تاثیر برنامه های صدا و سیما از جهات مثبت و منفی بر رفتار مخاطبان به ویژه قشر نوجوان و جوان بر کسی پوشیده نیست. کلا رسانه های گروهی و به ویژه رادیو و تلویزیون تاثیر شگرفی بر شیوه تفکر و زندگی و سلامت عمومی ایفا می کنند و از طریق آموزش، به عنوان یک ابزار اجتماعی شدن محسوب می گردد. این رسانه ها بهترین وسایل برای انتقال اطلاعات هستند و نقش موثری در داد و ستد عقاید و اطلاعات دارند. بنابراین برای پیشگیری از جرم باید به نحو مناسبی استفاده شوند. از این رو رسانه ها می توانند با استفاده از نظام هنجارهای اخلاقی و مذهبی جامعه قبح قاچاق کالا و ارز را در جامعه به صورت گسترده، اطلاع رسانی و بسترهای منع قاچاق کالا را در جامعه شناسایی کنند که این موضوع خود باعث فرهنگ سازی می گردد تا مردم به سوی مصرف کالاهای داخلی روی آورند و از مصرف کالاهای خارجی خودداری کنند (الهامی، ۱۳۸۸، ص ۷). از دیگر تاثیراتی که رسانه ها می تواند در پیشگیری از جرائم اقتصادی بالاخص قاچاق کالا و ارز داشته باشند اطلاع رسانی عمومی از وظایف مسولین، در رابطه با مبارزه و راهکارهایی است که انجام می دهند. این بدان معنی است که پرتو افکنی رسانه ها سبب دیدن بسیاری از واقعیات پشت پرده می گردد، بنابراین نقش رسانه ها منوط به کشف جرم اقتصادی نیست بلکه صرف این حق و فعالیت رسانه سبب می گردد تا نهادها همواره احساس کنند که افرادی با چراغ رسانه بر عمل

آن ها نور می افکنند و همین سبب پیشگیری عمومی از جرائم اقتصادی می گردد (نورزاد، ۱۳۸۸: ۲۵۹).

۴- مشخص کردن تولید واقعی از مونتاژ: برای حمایت از تولید ملی نباید تولید را مونتاژ قطعات آماده خارجی بدانیم بلکه باید تلاش کنیم تا این قطعات را خودمان بسازیم.

۵- تشکیل انجمن های حمایت از مصرف کنندگان: انجمن های حمایت از مصرف کنندگان باید به سرعت تشکیل شوند و با استفاده از ابزار رسانه ای و قانونی، تولیدات خوب را از بد جدا سازی کنیم.

۶- آسیب شناسی عوامل فرهنگی و ارائه ساز و کارهای مناسب برای آماده سازی عمومی و مقابله خود جوش فرهنگی با پدیده قاچاق و مصرف کالای قاچاق.

۷- تبیین مولفه های تولید، توزیع و مصرف واردات و صادرات کالا و ارز در اقتصاد خرد و کلان کشور

۸- بستر سازی فرهنگی و تبلیغی به منظور نهادینه کردن وجوب و ضرورت مبارزه با گسترش پدیده قاچاق و تاثیر مخرب آن در امر تولید، تجارت قانونی، سرمایه گذاری و اشتغال

۹- تهیه برنامه های لازم برای توسعه و ارتقای فرهنگی، اقتصادی جامعه به منظور افزایش ارزش فرهنگی، عرضه و تقاضای داخلی و کاهش گرایش به سمت عرضه و تقاضای کالای قاچاق با استفاده از ظرفیت بالقوه مراجع و نهادهای فرهنگی

۱۰- تبلیغات متناسب، هوشمندانه و همه جانبه درباره مبارزه با قاچاق کالا و ارز در رسانه ملی و مطبوعات

۱۱- تبیین خط مشی فرهنگی و تبلیغی درباره مبارزه با قاچاق کالا و ارز با تاکید بر اهمیت کالاهای ایرانی برای یکپارچگی عملیات فرهنگی در ستاد، کمیته ها، معاونت ها و کمیسیون- های استانی مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۱۲- انجام فعالیت های تبلیغی با استفاده از کارآمدترین مولفه های فرهنگی از طریق انتشار کتب ها، مجله ها، جزوه ها و نشریات و تولید برنامه های رادیو و تلویزیونی (زیرنویس، تیزر،

انیمیشن، فیلم و سریال، گزارش مستند و...) با استفاده از ظرفیت های نهادها و ارگان های فرهنگی (صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، ناشران دولتی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، آموزش و پرورش...).

نتیجه گیری و پیشنهادها

قاچاق کالا و ارز یکی از انواع جرائم اقتصادی است که منجر به بی ثباتی نظام اقتصادی کشور گردیده است. گسترش پدیده قاچاق تاثیر مخربی بر امر تولید، تجارت قانونی، سرمایه گذاری و در نتیجه اشتغال دارد. کالایی که بدون پرداخت عوارض و مالیات وارد کشور می شود در مقایسه با کالایی که تولید داخلی است و تمامی عوارض و مالیات های مربوط به آن را پرداخته است موجب نوعی رقابت ناسالم در اقتصاد می گردد به گونه ای که کالای داخلی دیگر توان رقابت با آن را ندارد. بنابراین باید سعی کنیم تا از تولیدات ملی حمایت کنیم زیرا گسترش کالای قاچاق موجب تعطیلی کارخانه های تولید کالا می گردد و در نتیجه گروهی از افرادی که به عنوان نیروی کار در عرصه فعالیت های تولیدی به فعالیت مشغول هستند، با بیکاری مواجه می گردند. پس باید به دنبال فرهنگ سازی باشیم تا از این طریق مصرف، خرید و حتی فعل قاچاق کالا را در سطح کشور کاهش دهیم. این بستر سازی فرهنگی به وسیله تبلیغات متناسب، تقویت فرهنگ ملی خرید و مصرف تولیدات کیفی و تغییر از نگرش منفی به نگرش مثبت برای مصرف کالاهای کیفی و رقابت پذیر داخلی صورت می گیرد. از سوی دیگر شفاف سازی در نظام داخلی و امور اقتصادی می تواند تاثیر چشمگیری در پیشگیری از قاچاق کالا و ارز داشته باشد. در واقع عمده ترین دلیل قاچاق کالاهای صادراتی تفاوت قیمت آنها در بازارهای داخلی و بازارهای خارجی به ویژه کشورهای همسایه است که زمینه فعالیت عوامل قاچاق برای خروج غیر قانونی این کالاها را تقویت می کند. بهای این کالاها که عمدتاً از یارانه تخصیصی دولت بهره مند هستند در بازار داخل به مراتب کمتر از کشورهای همسایه است مانند فرآورده های نفتی، دارو، آرد و... آنچه مسلم است حمایت از مصرف کنندگان به ویژه

اقشار آسیب پذیر جامعه از وظایف دولت است و سالانه میلیاردها تومان از بودجه دولت به تامین یارانه اختصاص می یابد تا به صورت توزیع عمومی از فشار اقتصادی وارد بر اقشار نیازمند جامعه بکاهد ولی فعالیت قاچاقچیان در خروج این نوع کالاها سبب خنثی شدن بخشی از اهداف دولت و ایجاد اختلال در نظم بازار و عرضه و تقاضا می گردد.

فهرست منابع

- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، انتشارات آریان، تهران.
- الهامی، خلیل، (۱۳۸۸). مردم و امنیت اقتصادی و قاچاق کالا و ارز، مجموعه مقالات همایش انضباط، امنیت اقتصادی و پدیده قاچاق کالا و ارز، انتشارات اقتصاد پنهان.
- جهانگیر، منصور (۱۳۸۰). مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، کنوانسیون بین المللی متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب اکتبر ۱۹۷۷ شورای همکاری گمرکی.
- خزایی، علی، (۱۳۷۳). مبارزه با قاچاق کالای گمرکی و دخانی، انتشارات معاونت آموزش ناجا شماره ثبت ۵۳۳۴.
- شهدادی، علی و خواجه عسگری، (۱۳۸۳). طرح جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان هرمزگان بندر عباس، معاونت سیاسی و امنیتی استانداری، هرمزگان.
- فدایی شهری، غلامرضا، (۱۳۷۸). پلیس و پیشگیری از جرائم در ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزایی و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مداح، مجید، (۱۳۸۴). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پایان نامه دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
- مقدسی، علیرضا، (۱۳۷۹). بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارهایی جهت هدایت آن به مسیرهای اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی.
- نویمان، فرانتس، (۱۳۷۳). آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات خوارزمی، تهران.
- نورزاد، مجتبی، (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و سازمان ملل متحد در مقابله با جرائم اقتصادی، پایان نامه دوره دکترا، دانشکده شهید بهشتی، دانشگاه حقوق.

-نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۸۲). بزهکاری و شرائط اقتصادی، انتشارات قوه قضائیه، تهران.